

فصلنامه علمی - تخصصی دُر ذری (ادبیات غنایی، عرفانی)
گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد
سال پنجم، شماره هفدهم، زمستان ۱۳۹۴، ص. ۱۱۳-۱۰۳

حکم پادشاه انگیز (شرح بیتی از حافظ)

مهدی نوریان^۱

استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان

احسان رئیسی^۲

چکیده

دریافت صورت صحیح و معنی دقیق ابیات در ادب فارسی نخستین و با اهمیت‌ترین گام برای راه یافتن به دنیای هنر و اندیشه شاعران است. افزون بر این سایر علوم ادبی از جمله نقد ادبی، سبک‌شناسی، علوم بلاغی و دستور زبان نیز بدون در دست داشتن متن قابل اعتماد و معنی صحیح اشعار، راه به جایی نخواهد برد.

اگرچه در باب شعر حافظ و برای حل مشکلات آن کوششهای زیادی صورت گرفته، اما هنوز برخی ابیات حل نشده باقی مانده و معنی صحیح و مستقیمی از آنها به دست نیامده است. از جمله آن ابیات، بیت زیر است:

«مباش غره به بازی خود که در خبر است هزار تعیبه در حکم پادشاه انگیز»

که تا کنون بحث‌های زیادی صورت گرفته اما هنوز معنی درست آن بخوبی روشن نشده است. وجوه گوناگونی نیز که در نسخه بدلها آمده بحث در باب آن را دامنه‌دارتر کرده است. در این گفتار پس از نقد و بررسی مهمترین دیدگاهها درباره این بیت، با ذکر شواهدی از متون و تبیین معنی دقیق اجزای آن کوشش شده است تا معنی صحیح بیت به دست آید.

کلیدواژه‌ها:

حافظ، حکم پادشاه انگیز، انگیختن، شه انگیز.

۱. mehnourian@gmail.com

۲. استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان.

مقدمه

بیت مذکور در نسخه مورخ ۸۲۷ دیوان حافظ و به تبع آن در تصحیح علامه قزوینی نیامده، اما در تصحیح استاد خانلری بدین صورت ضبط شده است:

مباش غره به بازی خود که در خبر است هزار تعبیه در حکم پادشاه انگیز

(حافظ، ۱۳۶۲: ۱/۵۳۶)

دکتر خانلری در بخش نسخه بدل‌های این بیت نوشته است که: «معنی این بیت دانسته نشد» (همان، ۱/۵۳۷) و سپس در جلد دوم دیوان در بخشی که به توضیح معانی «بعضی از لغات و تعبیرات» پرداخته، ذیل «پادشاه انگیز» آورده است: «نسخه بدلها در مصراع اول «بازوی خود» و «در ضربت» و در مصراع دوم «هزار تعبیه حکم» و «حکم پارسا انگیز». از هیچکدام معنی صریحی در نیافتیم. شاید «پادشاه انگیز» اصطلاح شطرنج باشد معادل «کیش» یا «کیش و مات» اما این اصطلاح را هیچ جا ندیده‌ام» (حافظ، ۱۳۶۲، ۱۱۶۳/۲).

گرچه در برخی از نسخه بدلها، «در ضربت»، «هزار تعبیه حکم» و «حکم پارسا انگیز» آمده اما چنان که خواهد آمد همان صورتی که دکتر خانلری در متن آورده، مقرون به صواب است. در ادامه، برخی از نظریات مهم در باب این بیت به ترتیب تاریخی نقل می‌شود.

دیدگاه‌های موجود در باب بیت

۱. دیدگاه منوچهر امیری

مرحوم امیری بیت را منطبق بر تصحیح شادروان دکتر خانلری، صحیح و فضایی غزل را «فضای وحشت و نگرانی» دانسته و معنی بیت را چنین آورده است: «شاعر به پادشاه می‌گوید که به بازی (مکر و حيله) خود غره نباشد زیرا در خیر است که در حکم خدایی که شاهان را بر می‌انگیزد (انگیختن: بلند ساختن، برکشیدن - لغت نامه دهخدا) هزار مکر و حيله (تعبیه) نهفته است. مضمون این خیر در واقع تکرار مفاد آیه شریفه ۵۴ از سوره ۲ (آل عمران) است: ومکروا و مکرا لله و الله خیر الماکرین» (امیری، ۱۳۶۳/۶۴۷).

حسین‌علی هروی این نظر را مطلقاً غیر قابل قبول و معنی کردن «پادشاه انگیز» را به «خدا» نادرست دانسته است (هروی، ۱۳۶۴/۵۲۰).

چنان که خواهد آمد ترکیب «پادشاه انگیز» را می‌توان مهمترین نکته بیت دانست که مرحوم امیری معنی آن را بدرستی متوجه نشده است و «انگیختن» را در صورتی کاملاً متضاد با آنچه در بیت به کار رفته، معنی کرده است.

۲. دیدگاه کرامت رعنا حسینی

مرحوم کرامت رعنا حسینی در مصراع نخست به جای «در خبر است»، «در ضرب است» را پذیرفته و «ضرب» را به معنی زدن مهره حریف دانسته است. بر این اساس معنی بیت، چنین حاصل شده است: «در بازی خود مغرور مباش که در زدن و کشته دادن هزار صف‌آرایی در اساس و قاعده کیش و مات شاه است» (رعنا حسینی، ۱۳۶۳: ۸۴۹). یعنی در زدن مهره حریف خطر وجود دارد.

حسین‌علی هروی این معنی را مشوش دانسته (هروی، ۱۳۶۴/۵۲۱). اما خود او نیز معنی دقیقی برای بیت ارائه نکرده است.

آنچه مرحوم رعنا حسینی در معنی بیت آورده است مشکلی را حل نمی‌کند، ضمن این که به ترکیب «پادشاه انگیز» که مسأله اصلی بیت محسوب می‌شود نپرداخته است. چنان که خواهد آمد بدون توجه به معنی ترکیب مذکور انتخاب نسخه بدل «در خبر است»، «در ضرب است» و «در حرب است» میسر نیست. مرحوم رعنا حسینی نیز بدون معنی کردن «پادشاه انگیز»، «در ضرب است» را انتخاب کرده است که مقرون به صواب نیست.

۳. دیدگاه محمد شفیعی

محمد شفیعی نسخه بدل‌های «در ضرب است»، «هزار تعبیه حکم» و «حکم پارسا انگیز» را نامفهوم دانسته و چنین نوشته‌اند: «متن اصلی با این تفسیر درست به نظر می‌رسد هرگز به قدرت بازوی خود فریفته مباش که هزار نکته و عامل وجود دارد که پادشاه را برای صدور حکم یا فرمانی برانگیزاند یعنی چنین مپندار که لیاقت و صلاحیت تو است که به دریافت فرمان مفتخر می‌شوی این پادشاه است که با انگیزه‌های خاص به صدور فرمان اقدام می‌کند» (شفیعی، ۱۳۶۵/۱۵۱). محمد شفیعی معنای «انگیز» را با «انگیزه» که امروزه به کار می‌رود خلط کرده و گمان کرده است که حافظ هم به همین معنی توجه داشته است.

۴. دیدگاه عزیزالله جوینی

مرحوم جوینی در مقاله‌ای بر کرامت رعنا حسینی خرده گرفته و بیان داشته است که نیازی نیست برای معنی کردن این بیت از اصطلاحات شطرنج کمک گرفته شود. وی معنی بین را این گونه آورده است: «حافظ خطاب به خود یا هرکس دیگر می‌کند و می‌گوید: به زور بازوی خود مغرور مباش، زیرا خبر رسیده است که یار دارای هزاران لشکر و سپاه است که همگی با ساز و برگ جنگی می‌باشند و آماده رزم، تو تاب رویارویی با وی را نداری و مغلوب خواهی شد، و مراد این است که تحت سیطره عشق معشوق قرار می‌گیری و اسیر و گرفتار وی می‌شوی» (جوینی، ۱۳۶۷: ۱۷۷). مرحوم جوینی «پادشاه انگیز» را معنی نکرده است. همچنین مشخص نیست ایشان مفهوم «عشق» و «معشوق» را چگونه از این بیت استنباط کرده است.

۵. دیدگاه عباس زریاب خویی

مرحوم زریاب خویی مصراع نخست را بدین صورت صحیح دانسته: «مباش غره به بازوی خود که در حربست...» و بیت را این گونه معنی کرده است:

«پادشاه انگیز را باید صفت مفعولی مرکب دانست یعنی حکمی که انگیزته پادشاه است. پهلوانان و زورآزمایان در جنگ نباید به بازوی خود غره یا مغرور باشند زیرا کار جنگ را تعبیه و نقشه فرمانده یکسره می‌کند و قوت بازو در برابر نقشه و تعبیه جنگی به کار نمی‌آید» (زریاب خویی، ۱۳۶۷: ۱۴۸).

علی رواقی بعد از نقل نظر دکتر زریاب، پادشاه انگیز را اصطلاح شطرنج دانسته و بیت را اینگونه معنی کرده است: «به بازی خود فریفته مباش که گفته و نوشته‌اند که در این بازی هزار طرح و نقش و تعبیه برای برانداختن پادشاه مقرر و مسلم است» (رواقی، ۱۳۶۹: ۳۲).

سعید حمیدیان نیز نظر دکتر زریاب را نادرست دانسته و حدس خانلری را درباره پادشاه انگیز - که اصطلاح شطرنج است به معنی «کیش» - تأیید کرده است. همچنین «در خبرست» را به جای «در حربست» صحیح دانسته است (حمیدیان، ۱۳۶۹: ۶۰).

بعد از اظهار نظر علی رواقی، زریاب خوبی نظر ایشان را بسیار بعید دانسته و نوشته است: «اما بنا بر معنی‌ای که نویسنده مقاله [علی رواقی] کرده است معنی بیت حافظ هشدار است به بازیگر شطرنج که به بازی خود غره مباش زیرا که در این بازی هزار طرح برای برانداختن پادشاه مسلم است؛ در کدام بازی؟ در بازی مخاطب؟ که در این صورت هشدار معنی ندارد. آیا در بازی طرف مقابل این هزار نقشه و طرح مسلم است؟ این سؤال پیش می‌آید که چرا در بازی مخاطب این هزار طرح و نقشه نیست و بلکه فقط در بازی طرف مقابل مسلم و مقرر است. آیا در خود بازی شطرنج این هزار طرح مسلم است؟» (زریاب خوبی، ۱۳۶۹: ۱۰۸)

چنان که خواهد آمد «پادشاه انگیز» صفت فاعلی است در صورتی که مرحوم زریاب خوبی این ترکیب را صفت مفعولی در نظر گرفته است. بر همین اساس نیز معنی بیت بدرستی بیان نشده است.

۶. دیدگاه علی رواقی

علی رواقی بعد از ذکر نظریات مختلف در باب این بیت، با ارائه شواهد مثال، نشان داده است که «انگیختن و برانگیختن کسی به معنی برداشتن و برکندن و دور کردن کسی است» (رواقی، ۱۳۶۹: ۳۲). رواقی معنی بیت را چنین آورده است: «به بازی خود فریفته مباش که گفته و نوشته‌اند که در این بازی هزار طرح و نقش و تعبیه برای برانداختن پادشاه مقرر و مسلم است» (همان / ۳۴).

ایشان بازی را دارای ایهام دانسته است:

۱- بازی‌ها و شغل‌های دنیایی؛ ۲- بازی شطرنج.

اگرچه رواقی مفهوم کلی بیت را بهتر از سایرین دریافته است اما در معنایی که ارائه کرده دو نکته مفعول مانده است: ۱. «خبر» در معنای اصطلاحی به معنی اخبار و روایات است که کاربرد آن در این بیت مستند بودن سخن حافظ را نشان می‌دهد. ۲. در بیت مذکور صحبت از بازی مشخصی نیست و «این بازی» معنای بیت حافظ را محدود می‌کند. این نکته بتفصیل بیان خواهد شد.

۷. دیدگاه فتح الله مجتبایی

فتح‌الله مجتبایی ابیاتی از قصیده امیر معزی در مدح امیر ارسلان ارغون را نقل کرده است:

معلوم شده‌ست این خبر از دفتر احکام	مفهوم شده است این سخن از نامه اسرار
دیری‌ست که در چرخ همین تعبیه سازند	هفت اختر سیار در این شغل و در این کار
این دولت و این ملک به بازی نتوان یافت	بازی نبود تعبیه اختر سیار

(امیر معزی، ۱۳۶۲: ۳۲۱)

و معنای بیت را چنین دریافته است:

«بیت حافظ نیز ظاهراً خطاب به پادشاه یا امیری است که در وضعی همانند وضع ارسلان ارغون قرار دارد (شاید سلطان زین العابدین) و به تدبیرها و «بازیها» (یا به اصطلاح امروز سیاست‌بازیها)ی خود مغرور و دلگرم است، ولی تعبیه‌هایی که در احکام کواکب صورت پذیرفته به گونه دیگری است و از «انگیخته شدن» یا برافتادن پادشاه خبر می‌دهد» (مجتبایی، ۱۳۸۶: ۷۷)

مجتبایی در پایان بیان کرده است که «الفاظ و مفردات اساسی بیت حافظ همگی در ابیاتی که از امیر معزی نقل شد موجود است و این اشتراک در الفاظ و معانی به اندازه‌ای نزدیک و آشکار است که نمی‌توان آن را به تصادف و اتفاق و توارد نسبت

داد... از آنجا که تناسب و هماهنگی آن با ابیات دیگر غزل اندک است شاید بتوان گفت که خواجه آن را بعدا به مناسبتی ساخته و به غزل مزبور افزوده است» (همان: ۷۸).

توضیح آن که در هیچ یک از بخشهای این غزل و بیت مورد نظر قرینه‌ای در باب «احکام کواکب» وجود ندارد و استاد مجتبائی آنچه را که در شعر امیر معزی بوده، به شعر حافظ نیز تعمیم داده‌اند.

۸. دیدگاه سلیم نیساری

ایشان مصراع نخست را بدین صورت آورده است: «مباش غره به بازی خود که در ضرب است...» و بعد از ذکر معنای «ضرب»، «تعبیه»، «حکم» و «پادشاه انگیز» از لغت نامه دهخدا، «پاد» در «پادشاه انگیز» را یک کلمه مستقل دانسته است:

«تصور بنده این است که کلمه «پاد» بدون این که پیشوندی برای کلمه «شاه» تلقی شود، به صورت یک کلمه مستقل در معنی خاص خود به کار رفته است. «پاد» یعنی ضد، مخالف و دافع. این که «پاد زهر» را ضد زهر معنی می‌کنند، در واقع منظور «دافع» زهر است» (نیساری، ۱۳۸۴: ۵۳).

ایشان پیام بیت را بدین صورت برداشت کرده است: «حواست را جمع کن که هزار طرح و نقشه در حرکات دفاعی حریف (یعنی در پادشاه انگیز) نهفته است که ممکن است تو را غافلگیر سازد» (همانجا). درست است که «پاد» و پد در ترکیب با بعضی کلمات در معنی «ضد» به کار رفته است اما باید شواهدی از سعدی و حافظ و معاصرانشان ذکر شود که نشان دهد در آن دوره «پاد» به تنهایی در این معنی به کار می‌رفته است و پیداست که چنین شواهدی وجود ندارد.

گشودن معنی بیت

چنان که ذکر شد بحث در باب معنی این بیت به درازا کشیده و در طول سالها بسیاری از پژوهشگران را به خود مشغول کرده است. برای دریافت معنی صحیح بیت نخست لازم است که موارد اختلاف یا مواضع دیریاب بیت شناسایی و تبیین شود و بعد از آن معنای صحیح بیت بیان گردد. نکات مهم و مورد اختلاف در باب این بیت بدین شرح است:

۱) گزینش «در خیرست»، «در حربست» یا «در ضربست» در پایان مصرع نخست؛

۲) ترکیب «حکم پادشاه انگیز» در مصرع دوم.

در این بخش کوشش می‌شود با ذکر شواهد کافی، ضبط صحیح عبارت پایانی مصرع نخست و معنای دقیق ترکیب «پادشاه انگیز» به دست داده شود. با مشخص شدن معنی دقیق «پادشاه انگیز» گزینش صحیح برای پایان مصرع نخست نیز آشکار می‌شود.

انگیز، انگیختن

انگیختن در برهان قاطع به معنی «از جای کردن، جنباندن از جای و برکندن آمده» (برهان قاطع، ذیل انگیختن) و در لغت نامه دهخدا هم به معنی «جنبانیدن» (انجمن آرا) و «بر جهانیدن» (آندراج) ضبط شده است. (دهخدا/ ذیل انگیختن) همان گونه که بعضی از پژوهشگران، در باب این بیت، با ذکر شاهد مثال بیان کرده‌اند، انگیختن به معنای از جای برکندن، بارها در متون به کار رفته است.

برای مثال «گاه» در شاهنامه بارها به معنای «تخت» و «برانگیختن از گاه» به معنی «بلند کردن از تخت» به کار رفته است: سهراب انگیزه خود را از لشکرکشی به ایران، برداشتن کاوس از تخت و به تخت نشاندن رستم بیان می‌کند:

کنون من ز ترکان جنگاوران فر از آورم لشکری بی‌کران
برانگیزم از گاه کاوس را از ایران بی‌رم پی طوس را
به رستم دهم تخت و گرز و کلاه نشانمش بر گاه کاوس شاه
(فردوسی، ۱۳۸۵، ۲: ۱۷۹)

افراسیاب در خواب می‌بیند که سپاه ایران به تخت او حمله کرده و او را از تخت بلند کرده و دست بسته با خود برده‌اند:

برانگیختندی ز جای نشست مرا تاختندی همی بسته دست
(همان، ۳: ۱۴۹)

و عطار:

به عمری جز بلا حاصل نبینی که تا روزی به کام دل نشینی
چو بنشین برانگیزد به زورت به زاری می‌دواند تا به گورت
(عطار، ۱۳۸۶: ۱۸۷)

و مولانا:

ای خسته افتاده بنگر که که افکندت چون درنگری او را هم اوت برانگیزد
(مولوی، ۱۳۵۵، ۲: ۴۵)

پادشاه انگیز

با توجه به معنی انگیختن و همچنین کاربرد «شه انگیز» و «شه برانگیز» در متون می‌توان معنای دقیق «پادشاه انگیز» را به دست داد. در خسرو نامه بعد از مرگ قیصر، شاعر در مقام پند دادن چنین می‌گوید:

چو روزی چند بودی رخت برگیر دلت بر تخته نه از تخت برگیر...
بر این رفعت^۱ چو دایم خانه خیز است قوی تر منصبی شاهی گریز است
چو در هر خانه‌ای بینی شه انگیز چرا شطرنج می‌بازی فرو ریز

زمین گر ملک تو آمد همه جای مشو غره که از گاو یست بر پای
(عطار، ۱۳۵۵: ۳۹۰)

در خسرو و شیرین نظامی، بهرام برای تصرف تاج پادشاهی، به بهانه کشته شدن هرمز به دست خسرو پرویز رعیت را بروی می‌شوراند و خود نیز به او حمله می‌کند. خسرو پرویز ناچار تخت را رها می‌کند و می‌گریزد. نظامی بیان می‌دارد که خسرو به دلیل بازی روزگار از شمشیر بهرام می‌گریزد (قایم ریختن از اصطلاحات شطرنج و به معنای جابه‌جا کردن شاه با قلعه است در موقعیتی که احتمال کیش شدن وجود دارد. این عمل را امروزه قلعه رفتن نیز می‌گویند). و این روزگار خونریز - که به صفحه شطرنج تشبیه شده - مجال اقامت در هیچ موضعی را به خسرو پرویز نمی‌دهد مانند مهره شاه در شطرنج که حریف آن را مدام کیش^۲ کند.

چو شاهنشاه ز بازیهای ایام به قایم ریخت با شمشیر بهرام

به شمشیر خلاف این نطع خونریز به هر خانه که شد دادش شه انگیز

به صد نیرنگ و دستان راه و بی راه به آذربایگان آورد بنگاه

وز آنجا سوی موقان کرد منزل مغانه عشق آن بتخانه در دل

(نظامی، ۱۳۸۵: ۱۱۴-۱۱۵)

پادشاه انگیز «صفت فاعلی مرخم» است به معنای کسی یا چیزی که موجب انگیختن (برکندن) پادشاه می شود و در واقع آنچه که موجب براندازی پادشاه است. علاوه بر آن «شه انگیز» اصطلاح شطرنج و به معنی «کیش» نیز هست چنان که در شواهد پیشین آمده، شاید «شه شه» که مولانا در مثنوی ذکر می کند مخفف شه انگیز است:

شاه با دلقک همی شطرنج باخت مات کردش زود خشم شه بتاخت

گفت شه شه و آن شه کبرآورش یک یک از شطرنج می زد بر سرش ...

باخت دست دیگر و شه مات شد وقت شه شه گفتن و میقات شد...

گفت شه هی هی چه کردی چیست این گفت شه شه شه شه ای شاه گزین

کی توان حق گفت جز زیر لحاف با تو ای خشم آور آتش سجاف

ای تو مات و من ز زخم شاه مات می زخم شه شه به زیر رختها

(مولوی، ۱۳۸۴، ۵: ۳۹۱)

«پادشاه انگیز» در معنی غیر اصطلاحی به معنای کسی است که پادشاه را از تخت بلند می کند. در طول تاریخ رجال را می شناسیم که قدرتشان چندان زیاد بوده که حتی می توانسته اند پادشاهی را از تخت بردارند و به جای او دیگری را بنشانند. این معنی را در شعر فرخی و امیرمعزی می توان دید:

امروز جهاندار و خداوند جهان است همواره جهاندار و خداوند جهان باد

از مشرق تا مغرب رایش به همه جای که شاه برانگیز و گهی شاه نشان باد

(فرخی، ۱۳۷۱: ۳۷)

ز ملک پادشهی را سبک برانگیزی به جای او دگری به ملک بنشانی

(امیرمعزی، ۱۳۶۲: ۶۲۶)

توضیح این که شاه نشان به معنی نشاندۀ شاه است یعنی کسی یا چیزی که شاه را منصوب می کند. چنان که حافظ در مدح «شاه شجاع» گفته است:

خورشید ملک پرور و سلطان دادگر دارای داد گستر و کسرای کی نشان

سلطان نشان عرصۀ اقلیم سلطنت بالانشین مسند ایوان لامکان

(حافظ، ۱۳۶۲، ۲: ۱۰۲۷)

یا در مدح «قوام الدین محمد صاحب عیار» وزیر شاه شجاع:

وزیر شاه‌نشان خواجه زمین و زمان که خرم است بدو حال انسی و جانی
(حافظ، ۱۳۶۲: ۱۰۳۱/۲)

در این معنا شواهد بسیاری از متون در دست است، از جمله:
مولانا:

سلطان خوشان آمد و آن شاه نشان آمد تا چند کشی گوشم ای گوش کشان برگو
(مولوی، ۱۳۵۵: ۳۶/۵)
پیشش تو سجده می‌کن تا پادشا شوی زیرا که پادشاه نشان است آن یکی
(همان: ۲۲۹/۶)

انوری:

ای شاه نشانی که ز عدل تو جهان را در وصف نیاید که چه بختی به درآمد
(انوری، ۱۳۴۰: ۱/۱۴۰)

خواجوی کرمانی:

ما جرعه چشانیم ولی خضر و شانیم ما راه نشینیم ولی شاه نشانیم
(خواجو، ۱۳۶۹: ۴۶۴)

عبیدزاکانی:

جهان فضل و کرم رکن دین عمیدالملک وزیر شاه نشان خواجه سپهر غلام
(عبیدزاکانی، ۱۹۹۹: ۴۴)

بنابراین «شاه نشان» معنایی متضاد «شاه انگیز» دارد و پادشاه انگیز یعنی از جای کننده و براندازنده پادشاه:
انوری:

چون خواجه توان گفت کسی را که به حکم جمشید نشان و کیتبادانگیز است
(انوری، ۱۳۴۰: ۱۳۴۰/۲: ۹۵۷)

فرخی:

از مشرق تا مغرب رایش به همه جای گه شاه برانگیز و گهی شاه نشان باد
(فرخی، ۱۳۷۱: ۳۷)

«در خبر است»، «در حرب است» یا «در ضرب است»

بعد از روشن شدن معنی پادشاه‌انگیز که مهمترین جزء این بیت محسوب می‌شود، می‌توان سایر مفردات و عبارات را تبیین کرد. با توجه به معنای «حکم پادشاه انگیز» در ضبط دکتر خانلری که در مصراع نخست، «در خبر است» آمده نسبت به سایر نسخه بدلهای مناسب‌تر به نظر می‌رسد. همچنین در باب یکی از معانی اصطلاحی «خبر» آمده است: «خبر به بیان وقوع حادثه‌ای اطلاق

می‌شود که بیان کننده آن را دیده یا شنیده است و به این ترتیب خبر با اقوال مستند فرق دارد چه خبر همواره بحث در مورد وقایع می‌کند ولی اقوال مستند به بحث در باب نظریات و آراء می‌پردازد» (لغت‌نامهٔ دهخدا/ ذیل خبر).

با در نظر گرفتن «در حرب است» یا «در ضرب است»، بیت ساختار نحوی درستی نخواهد داشت: «در حکم پادشاه انگیز، هزار تعبیه در حرب/ ضرب است». علاوه بر این آنچه در باب «در ضرب است» گفته شده - زدن مهرهٔ حریف - در این بیت نمی‌تواند مقرون به صواب باشد زیرا حافظ در این بیت اشاره به حریف خاصی ندارد بلکه به طور عام بازی روزگار را به بازی شطرنج تشبیه کرده است که هیچ کس توان چیرگی در آن را ندارد:

فغان که با همه کس غایبانه باخت فلک که کس نبود که دستی ازین دغا ببرد

(حافظ، ۱۳۶۲: ۱/۲۶۶)

همچنین علاوه بر آن چه گفته شد «در حرب است» نیز با توجه به این که قرینه‌ای در بیت وجود ندارد که وجود «حرب» را تأیید کند نادرست است. بنابراین «در خبر است» که در آن معنای خبر (آگاهی) آن هم از طرق گوناگون مانند روایت، گفته‌ها، دیده‌ها و... در مد نظر بوده، صحیح می‌نماید.

برای «تعبیه» معانی گوناگونی برشمرده‌اند اما آنچه در این بیت مورد نظر است «آماده کردن و ترتیب دادن چیزی (آندراج). نظم و ترتیب دادن» است. (نک: لغت‌نامهٔ دهخدا/ ذیل تعبیه). صف آرائی لشکر را نیز در متون کهن تعبیهٔ لشکر گفته‌اند و نحوهٔ قرار گرفتن مهره‌های شطرنج در برابر یک دیگر کاملاً شبیه تعبیهٔ لشکر است.

آشنائی کامل حافظ با شطرنج و اصطلاحات آن از این بیت نیز بخوبی استنباط می‌شود:

تا چه بازی رخ نماید بیدقی خواهیم راند عرصهٔ شطرنج رندان را مجال شاه نیست

(حافظ، ۱۳۶۸)

اما معنای بیت حافظ با توجه بدآنچه آورده شد و با عنایت به بیت دیگری از حافظ بخوبی روشن می‌شود. حافظ در جای دیگری از بازی انگیختن روزگار صحبت می‌کند و بتصریح می‌گوید که چرخ شعبده باز هزاران بازی عجیب و نادر دارد:

تو عمر خواه و صبوری که چرخ شعبده‌باز هزار بازی از این طرفه‌تر برانگیزد

(حافظ، ۱۳۶۲: ۱/۳۱۸)

که در بیت منظور ما (مباش غرهٔ به ...) این بازیهای طرفه حتی می‌تواند باعث براندازی پادشاه شود. بنابراین، معنای بیت چنین است:

به مهارت خود در بازی مغرور مباش چرا که در اخبار و روایات (تواریخ و قصص) می‌بینیم که هزار بازی طرفه وجود دارد که می‌تواند پادشاه مقتدری را از اریکهٔ قدرت بردارد و دیگری را به جای او بنشاند.

در واقع حافظ به مخاطب هشدار می‌دهد که بازیهای هست که باعث سرنگونی پادشاه (که بالاترین منصب دنیوی است) می‌شود پس هیچ گاه به خود و سرگرمیهای دنیوی خود (که هرگز بالاتر از پادشاهی نیست) مناز و مغرور مشو. همانطور که در شطرنج بازیهای زیادی برای کیش و مات کردن حریف وجود دارد در عالم واقع نیز برای عزل یک پادشاه راههای زیادی هست. نکتهٔ مهم دیگری که در باب این بیت و برخی دیگر از ابیات حافظ وجود دارد آن است که بعضی از ابیات حافظ به نظر می‌رسد که به یک مناسبت خاص در برهه‌ای از زمان سروده شده و اشاره به واقعهٔ خاصی دارد ولی حافظ این واقعه را طوری بیان کرده که به همهٔ زمانها و مکانها تسری پیدا کند. به نظر می‌رسد این بیت هم از این گونه ابیات باشد.

نتیجه‌گیری

تبیین دقیق معانی ابیات و حل کردن مشکلات آنها از مهمترین امور در پژوهش‌های ادبی است و این کار میسر نمی‌شود مگر با دقت بسیار در دریافت روابط اجزای درونی ابیات و پی بردن به معنی دقیق آنها بر اساس تتبع در متون. چنان که در این مقاله دیده می‌شود، مشکلات متون فقط به کمک یکدیگر قابل حل است. با احترام به دیدگاه همه کسانی که در باب این بیت اظهار نظر کرده‌اند امید است معنی صحیح و مستقیم بیت مورد بحث توسط این مقاله به دست آمده باشد.

یادداشتها

۱. ظ: رقعت.
۲. در بازی شطرنج گاهی مهره حریف در جایی قرار می‌گیرد که شاه طرف مقابل ناچار است از خانه خود برخیزد و این حالت را «کیش» می‌نامند.

منابع

۱. امیرمعزی، محمدبن عبدالملک (۱۳۶۲)، **دیوان**، با مقدمه و تصحیح ناصر هیری، تهران: مرزبان.
۲. امیری، منوچهر (۱۳۶۳)، **درباره بیست بیت از دیوان حافظ خانلری**، آینده، سال دهم.
۳. انوری ابیوردی، محمد بن محمد (۱۳۴۰)، **دیوان**، به اهتمام محمد تقی مدرس رضوی، تهران: بنگاه نشر و ترجمه کتاب.
۴. برهان، محمد حسین بن خلف تبریزی (۱۳۷۶)، **برهان قاطع**، به اهتمام محمد معین، تهران: امیرکبیر.
۵. جوینی، عزیزالله (۱۳۶۷)، «پادشاه انگیز / هزار تعبیه در شعر حافظ»، **آینده**، شماره ۳-۵.
۶. حافظ، شمس الدین محمد (۱۳۶۲)، **دیوان**، تصحیح پرویز ناتل خانلری، چاپ دوم، تهران: انتشارات خوارزمی.
۷. _____ (۱۳۶۸)، **دیوان**، به تصحیح علامه قزوینی و دکتر قاسم غنی، تهران: اساطیر.
۸. حمیدیان، سعید (۱۳۶۹)، «شمه‌ای از شرح شوق»، **نشر دانش**، شماره ۵۸.
۹. خواجوی کرمانی، محمدبن علی (۱۳۶۹)، **دیوان اشعار**، به اهتمام و تصحیح احمد سهیلی خوانساری، تهران: مروی.
۱۰. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۲)، **لغت نامه**، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۱. رعنا حسینی، کرامت (۱۳۶۳)، «شرح بیتهای حافظ»، **آینده**، سال دهم.
۱۲. رواقی، علی (۱۳۶۹)، «پیشنهاد درباره سه واژه از حافظ»، **نشر دانش**، شماره ۵۸.
۱۳. زریاب خویی، عباس (۱۳۶۷)، **آئینه جام**، تهران: انتشارات علمی.
۱۴. _____ (۱۳۶۹)، «در معنی دو بیت حافظ»، **نشر دانش**، سال دهم، شماره ۵۹.
۱۵. سعدی، مصلح بن عبدالله (۱۳۴۰)، **دیوان**، به کوشش مظاهر مصفا، تهران: کانون معرفت.
۱۶. سودی بسنوی، محمد (۱۳۶۶)، **شرح سودی بر حافظ**، ترجمه عصمت ستارزاده، تهران: زرین و انتشارات نگاه.
۱۷. شفیعی، محمد (۱۳۶۵)، «پانزده نکته در دو دیوان حافظ (خانلری و خطیب رهبر)»، **آینده**، سال دوازدهم.
۱۸. عبید زاکانی (۱۹۹۹م)، **کلیات**، به اهتمام محمد جعفر محبوب، زیر نظر احسان یارشاطر، نیویورک.
۱۹. عطار نیشابوری، فریدالدین (۱۳۵۵)، **خسرونامه**، به تصحیح و اهتمام احمد سهیلی خوانساری، تهران: زوار.
۲۰. _____ (۱۳۸۶)، **اسرارنامه**، به تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات سخن.
۲۱. فرخی سیستانی، علی بن جولوغ (۱۳۷۱)، **دیوان**، به کوشش محمد دبیر سیاقی، چاپ چهارم، تهران: زوار.
۲۲. فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۵)، **شاهنامه**، به کوشش سعید حمیدیان، چاپ هشتم، تهران: قطره.

۲۳. قیصری، ابراهیم (۱۳۸۰)، **ابیات بحث انگیز دیوان حافظ**، تهران: توس.
۲۴. مجتبیایی، فتح الله (۱۳۸۶)، **شرح شکن زلف**، تهران، سخن.
۲۵. مولوی، جلال الدین محمد بلخی (۱۳۵۵)، **کلیات شمس**، با تصحیحات و حواشی بدیع الزمان فروزانفر، تهران: امیر کبیر.
۲۶. _____ (۱۳۸۴)، **مثنوی**، نثر و شرح عبدالباقی گولپینارلی، ترجمه و توضیح توفیق سبحانی، چاپ چهارم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۷. نظامی، الیاس بن یوسف (۱۳۸۵)، **خسرو و شیرین**، با تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی، به کوشش سعید حمیدیان، چاپ هفتم، تهران: قطره.
۲۸. نیساری، سلیم (۱۳۸۴)، «حافظ و عرصه شطرنج»، **مجله حافظ**، شماره ۱۹.
۲۹. هروی، حسین علی (۱۳۶۴)، «راجع به شرح بیٹی از حافظ»، **مجله آینده**، سال یازدهم.

